

بازار کار کشور

بیکاران طلبکار

بر اساس پیش‌بینی‌های واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، بازار نیروی کار کشور به سیاست‌های جدی نیاز دارد.



نامطلوب بر نیروی کار می‌شوند و سپس از طریق تأثیر متقابل بر یکدیگر، نابسامانی‌های اقتصادی را تشدید، و مسایل معنوی، فرهنگی و اجتماعی را ایجاد می‌کنند. بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، آمارهای موجود نشانگر این واقعیت است که درآمد خانوارهای کشور - چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی - به طور فاحشی کمتر از میزان مخارج خانوارها است. به عنوان مثال، در سال ۸۴ (که آخرین سالی است که آمارهای بودجه خانوار در دسترس می‌باشد)، درآمد سالانه یک خانوار شهری برابر ۵۱۷,۶۶ هزار ریال و هزینه همان خانوار معادل ۷۳۵,۶۸ هزار ریال بوده است. به عبارت دیگر، یک خانوار متوسط کمی بیشتر از ۲ میلیون ریال کسری بودجه داشته است. البته گرچه این کسری ناچیز به نظر می‌رسد، ولی چون رقم متوسطی است، اولاً نشان‌دهنده کسری بالاتر و گسترده تری در کل جامعه می‌باشد. بیکاری و عدم کفایت درآمدها مشکلات متعدد اقتصادی - اجتماعی به وجود می‌آورد. ■

بر اساس پیش‌بینی واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران» نرخ بیکاری در سال ۸۷، به ۱۴/۸ درصد افزایش یافته و حدود دو بیست هزار نفر به خیل بیکاران افزوده می‌شوند. بررسی روند جمعیت گویای این است که طی دوره ۸۵ - ۷۵ به طور متوسط سالانه بیش از ۱/۴ میلیون با متوسط سالانه رشد ۲/۷ درصد، بر جمعیت ده ساله و بیشتر کشور افزوده شده است، اما در سال‌های اخیر با رشد محدودتری مواجه بوده است. پیش‌بینی می‌شود این جمعیت در سال ۸۸ با حدود ۱/۵ درصد رشد در سال ۸۸ به بیش از ۶۲ میلیون نفر افزایش یابد. همچنین نرخ مشارکت نیروی کار از ۳۹/۴ درصد در سال ۸۵ به ۴۱/۷ درصد افزایش می‌یابد.

بر اساس پیش‌بینی‌ها، در سال‌های ۸۶ و ۸۷ به ترتیب ۶۲۶ و ۶۴۵ هزار شغل جدید ایجاد می‌شود ولی با توجه به رشد بیشتر عرضه نیروی کار در مقایسه با رشد تقاضای آن، بر نرخ بیکاری افزوده شده و از ۱۴/۵ درصد در سال ۸۶ به ۱۵/۱ درصد در سال ۸۸ می‌رسد.

بیکاری و درآمد خانوارها

از دیدگاه نیروی انسانی، خانواده، در اقتصاد جامعه، به عنوان کوچکترین واحد تصمیم‌گیرنده اقتصادی و عرضه‌کننده نیروی کار، نقش و اهمیت بسزایی دارد. اگرچه نیروی کار، محور اصلی توسعه است، اما خود تابع عوامل مختلفی است که بر رفتار خانوارها اثر می‌گذارد. از جمله این عوامل می‌توان به ضعف درآمدی، پس‌اندازهای منفی، بیکاری، کاهش قدرت خرید و به طور کلی وضعیت نامطلوب توسعه اقتصادی اشاره کرد که بر روی هم موجب عدم توانایی در تأمین احتیاجات مادی و به جا گذاشتن اثرات

شهری، امکانات اشتغال، میزان ارزش واقعی درآمد خدمات و غیره در نظر گرفته شود.

در کشورمان، به موجب ماده ۴۱ قانون کار، برای تعیین حداقل مزد دو ضابطه پیش‌بینی گردیده است:

(۱) حداقل مزد باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی (در حال حاضر چهار نفر) اعلام می‌شود را تأمین نماید.

(۲) نرخ تورم موجود در کشور که از طریق مراجع ذیصلاح اعلام می‌گردد، مدنظر قرار گیرد.

به موازات، برای تعیین حداقل مزد باید موارد اساسی زیر مورد توجه قرار بگیرند:

(۱) نیاز کارگر و خانواده وی برای برخورداری از حداقل استاندارد زندگی

(۲) امکانات و ظرفیت فعالیت‌های مختلف اقتصادی

(۳) تأثیر حداقل مزد تعیین شده بر رشد اقتصادی کشور، اشتغال و سایر درآمدها

تأکید می‌شود که تعیین سطح یکسان حداقل مزد برای تمام مناطق کشور منطقی نیست و مغایر قانون کار است. باید حداقل مزد بر اساس صنایع و مناطق مختلف کشور تعیین گردد، چنانچه در سال‌های ۱۳۲۸ تا سال ۱۳۴۷ چنین روشی وجود داشته و کشور به سه منطقه تقسیم شده بود.

تورم، قدرت خرید و بهره‌وری

طبیعتاً حداقل مزد از نظر کارگران به عنوان درآمد آنها محسوب می‌گردد، ولی از نظر کارفرمایان به عنوان یکی از هزینه‌های تولید به شمار می‌رود. لذا در سه ماه پایانی هر سال، بحث‌ها و مذاکراتی بین نمایندگان دولت و تشکل‌های کارگری و کارفرمایی آغاز می‌گردد تا رهنمودی در این زمینه به دست آید که ضمن تأمین درآمد کافی برای حداقل معیشت یک خانواده چهار نفری، هزینه نیروی انسانی را آن چنان بالا نبرد که مشکلاتی را برای کارفرمایان و بخش تولیدی اقتصاد به وجود آورد.

برای نیل به اهداف فوق، کارشناسان اقتصاد کار معتقد به وجود عامل مهمی هستند که باید در تعیین دستمزدها مورد توجه قرار گیرد و آن بهره‌وری نیروی کار است. ارتقای بهره‌وری در کار و افزایش کمی و کیفی تولید، آثار منفی، تعیین حداقل مزد و افزایش در سطح دستمزدها را کاهش می‌دهد و در عین حال موجب افزایش تورم نمی‌گردد. امید می‌رود که آغاز بحث و گفت‌وگوهای مربوط به تعیین حداقل مزد برای سال آینده بین تشکل‌های کارفرمایی و کارگری با در نظر گرفتن آثار آن بر اقتصاد کشور، سطح معیشت و زندگی کارگران و روند رشد و توسعه اقتصادی کشور همراه باشد. از سوی دیگر، تورم را که روابط کارگر و کارفرما را به هم می‌پاشد باید از طریق سیاست‌های کلان و انضباط پولی و مالی دولت به حداقل رساند. گفتنی است در این میان، بهره‌وری را نیز نباید فراموش کنیم. ■

گذشته و آینده بیکاری در ایران

سال	اقتصاد ایران				نفر		
	نرخ بیکاری	نرخ مشارکت	نرخ	درصد	تقاضا	عرضه	جمعیت ده ساله و بیشتر
۱۳۷۰	۱۱/۱	۳۸/۱	۱۱/۱	۱,۶۴۰,۰۹۲	۱۳,۱۰۳,۸۱۲	۱۴,۷۴۳,۹۰۴	۳۸,۶۵۵,۰۴۹
۱۳۷۵	۹/۱	۳۵/۳	۹/۱	۱,۴۵۵,۶۵۱	۱۴,۵۷۱,۵۷۲	۱۶,۰۲۷,۲۲۳	۴۵,۴۰۱,۰۸۳
۱۳۸۵	۱۱/۲	۳۹/۴	۱۲/۸	۲,۹۹۲,۲۹۸	۲۰,۴۷۶,۳۹۵	۲۳,۴۶۸,۶۹۳	۵۹,۵۲۲,۷۴۷
۱۳۸۶	۱۰/۳	۴۰/۲	۱۴/۵	۳,۵۲۱,۴۰۷	۲۰,۷۳۰,۷۰۵	۲۴,۵۲۲,۱۱۲	۶۰,۳۶۶,۱۴۲
۱۳۸۷	۹/۴	۴۱/۰	۱۴/۸	۳,۷۲۰,۰۰۰	۲۱,۳۵۶,۸۸۰	۲۵,۰۷۶,۸۷۹	۶۱,۲۳۳,۷۴۹
۱۳۸۸	۸/۴	۴۱/۷	۱۵/۱	۳,۹۲۷,۹۷۱	۲۲,۰۰۱,۹۶۸	۲۵,۹۲۹,۹۳۹	۶۲,۱۳۸,۷۹۹

منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران».